

اتاق گاز یا اتاق سیاست‌گذاری؟

با سرد شدن و وارونگی هوا، آلودگی آن نیز بیش از همیشه در مرکز توجهات مردم قرار می‌گیرد. در خبر آمده بود که فقط در اهواز ۵۰۰ نفر به علت مشکلات تنفسی به بیمارستان‌ها مراجعه کرده‌اند. همچنین به گفته رییس بخش ریه بیمارستان کودکان مفید تهران آمار مراجعه کودکان به بیمارستان به دلایل منتسب به آلودگی هوا افزایش پیدا کرده و حملات آسم، تشدید آسم و عفونت‌ها بیشترین دلایل مراجعه کودکان است. این ترکیبات می‌توانند جذب چشم‌ها شده و موجب حساسیت چشمی شوند، جذب سیستم اعصاب شوند و یادگیری را مختل کنند، منجر به خستگی‌های مفرط شوند. دیگران نیز این وضعیت را اتاق گاز یا قاتل خاموش! نامیده‌اند، زیرا سهم آلودگی هوا از مرگ و میر بیماران عفونت حاد تنفسی، سکته مغزی، بیماری‌های قلبی و عروقی، انسداد مزمن ریه و سرطان ریه به نسبت بالاست. با آمدن باران قدری از این آلودگی کم شد ولی در این دو روز دوباره شاهد اعلان خطر وضعیت هوا بودیم. برخی معتقدند که در حال عادی شدن این وضعیت برای جامعه هستیم و به احتمال فراوان این وضعیت ادامه داشته و تشدید هم خواهد شد. علل آن هم گوناگون است ولی در حال حاضر سوخت مازوت و بنزین پتروشیمی‌ها را از عوامل اصلی تشدیدکننده می‌دانند. البته آلودگی هوا در میان مجموعه مشکلات عادلانه‌ترین! است، زیرا برخلاف تورم که به سود صاحبان ثروت و قدرت و علیه فقرا است، این مشکل کما بیش همه را درگیر می‌کند. با این مقدمه قصدم از نوشتن این یادداشت اشاره به جزییات مشکل آلودگی هوا نیست. حتی دنبال طرح انتقاد از عملکردها و ادعاهای دولت در این مورد نیز نیستم. در واقع آنچه که گفته خواهد شد، نشانه‌هایی از یک روند است. روندی که طی دهه ۱۳۹۰ و به طور مشخص از سال ۱۳۸۸ تشدید شد و اکنون ۱۴ سال است که ادامه دارد. حتی دنبال این نیستم که بگویم چه کسی مقصر است. سیاست، دادگاه نیست، شاید تاریخ دادگاه باشد، ولی سیاست میدان حل مشکلات و بهبود امور و کاهش مرارتهای مردم است. به این خاطر در کنار مشکل آلودگی هوا به وجه مشترک چند نمونه از مشکلات دیگر نیز اشاره می‌کنم؛ محیط‌زیست، آب، بالا بودن شدت مصرف انرژی، صندوق‌های بازنشستگی و تورم مزمن. شاید بپرسید که اینها چه ربطی به هم دارند؟ بله در ظاهر چندان ربطی میان آنها نیست، ولی هنگامی که ریشه‌یابی شوند به خوبی خواهیم دید که همه موارد آنها مرتبط با نوعی از ساختار تصمیم‌گیری و سیاسی است که در چند دهه گذشته گاه تشدید شده و گاه تخفیف پیدا کرده است، ولی در نهایت مسیر غالب آن،

بدتر شدن امور است. نکته مهم‌تر اینکه با تشدید بحران، هزینه حل مساله نیز افزایش یافته و اراده‌ای که معطوف به حل آن شود ضعیف‌تر می‌شود. تقریباً وضعیت هر شش مساله مذکور در این سال‌ها موجب افزایش مرارت، تلخکامی و سختی زندگی برای مردم شده‌اند و نکته مهم‌تر از تلخکامی آنها این است که هیچ ایده، طرح یا اقدام موثری برای حل هیچ کدام از این موارد وجود ندارد جز افزایش فشار بیشتر بر مردم، نمونه آن مصوبه اخیر در مورد افزایش سن بازنشستگی است. به طور طبیعی این خطر هست که با بزرگ‌تر شدن ابعاد این مشکلات، فنر آنها باز شود و به صورت تصاعدي بر اندازه مشکلات و رنج‌های ناشی از آن افزوده شود. یکی دیگر از مصادیق آن دریاچه ارومیه است. طبق گزارش روزنامه اعتماد حجم آب این دریاچه در این سه سال اخیر (آبان ماه) ۹۹ درصد کاهش یافته و عملاً دریاچه را باید خشک شده محسوب و به انتظار باران‌های فراوان بود. چرا نمی‌توانیم اینها را حل کنیم؟ اگر دقت کنیم همه اینها در يك ویژگی اشتراك دارند؛ جبران صوري كمبودها از طریق دستکاری در واقعیت. تورم مهم‌ترین آنها است. با افزایش نقدینگی و استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از بانک‌ها، آب در شیر خالص میریزند و به جای شیر خالص آن را به مردم قالب می‌کنند. در واقع کمبود منابع مالی خود را از طریق رقیق کردن پول یا شیر جبران می‌کنند. انرژی هم با قیمت غیرواقعی به مردم داده می‌شود تا بلکه قدری از مشکل قبلی جبران شود، غافل از اینکه کل ساختار مصرف انرژی کشور روی قیمت پایین تنظیم می‌شود و کار به جایی می‌رسد که جرات اصلاح قیمت‌های آن را ندارند. صندوق‌های بازنشستگی نیز تحت‌تأثیر تورم و برداشته‌های دولتها و بی‌کفایتی‌های مدیران و افزایش تصاعدي بازنشستگان در کنار کاهش شدید آورده‌های بیمه‌شدگان جدید، دچار ورشکستگی می‌شود و هر مقام دولتی در مقطع خودش فقط دنبال حل مشکلات خویش است و عوارض را برای نفر بعدی می‌گذارد. البته شاید حق هم دارد چون اگر جز این را بخواهد، فوری حذف می‌شود. آلودگی هوا نیز تابع قیمت انرژی و فقدان سوخت استاندارد و مهم‌تر از آن فقدان حمل و نقل عمومی موثر و پایین بودن کیفیت خودروها قرار دارد که جملگی به مسائل قیمت‌گذاری، الگوی مصرف انرژی و تورم مربوط می‌شود. آب و محیط‌زیست از همه اینها پیچیده‌تر است و حتی حل آنها نیز تابع حل مشکلات بزرگ‌تری است. ساختاری که امکان اعمال قدرت نرم نداشته باشد و مانع از مشارکت عمومی و ذی‌نفعان در تصمیمات شود، نتیجه همین می‌شود که رئیس‌جمهور اسبق آن برای خودشیرینی دستور حفر چاه غیرمجاز می‌دهد و مردم هم به منافع کوتاه‌مدت خود نگاه می‌کنند و در مسیر تخلیه آب‌های زیرزمینی و عدم مصرف بهینه آب در امور کشاورزی اقدام می‌کنند، نتیجه این می‌شود که بخش‌هایی از کشور در حال خشک

شدن و مهاجرت مردم آن به سایر مناطق هستند. سیاست‌گذاری جزیی‌نگر در ایران پاسخ نمی‌دهد. هنگامی که مساله کشور برای دولت این شده که آیا فرودگاه سقز افتتاح واقعی شده یا کیکی، فرودگاهی که کلا غیراقتصادی و اصل وجودی آن از ابتدا مورد سوال بوده و هست و دیر یا زود نیز به سرنوشت مجموعه فرودگاه‌های غیراقتصادی کشور دچار می‌شود، هر چند برای موجه دانستن آن می‌گویند هفته‌ای دو پرواز دارد، یکی رفت و یکی برگشت!! گویی که می‌توانست پرواز برگشت نداشته باشد، ولی در کنار آن درباره هیچ کدام از مسائل پیش‌گفته بحث و گفت‌وگوی جدی نمی‌شود و به جایش تونل سفیران هدایت! را در مترو نمایش می‌دهند. در نتیجه سیاست‌گذاری را در يك دور باطل عصاره قرار می‌دهند و شاهد گسترش بیشتر ابعاد مشکلات خواهیم بود. فقط ترس این است؛ روزی برسد که آلودگی هوا در يك روز جان صدها نفر را بگیرد آنگاه زنگ خطر شنیده شود. اگر روند تعداد روزهای هوای آلوده و خطرناک را طی سال‌های اخیر ببینیم متوجه ماجرا خواهیم شد که با ادامه وضع کنونی چنین روزی را دیر یا زود شاهد خواهیم بود. نقشه آلودگی هوای کشور نشان می‌دهد که در روزها و هفته‌های گذشته هیچ کدام از شهرهای اصلی ایران در وضعیت سالم هوا نبودند و اغلب رنگ تیره دارند. این زنگ خطر کافی است، نباید منتظر مرگ و میرهای فراوان بود. راه‌حل چیست؟ در يك کلام با این سطح از مدیریت به سوي پیشرفت و قله نمی‌روند، در سرازیری خواهیم بود. در غیاب اراده‌ای موثر برای تن دادن به راه‌حل‌های علمی و نیز پذیرش مردم و مسائل آن به عنوان تنها اولویت ساختار برای حل آنها و با این مجموعه بسیار کوچک و محدود و فاقد دانش و اراده و درك از الزامات امور، قادر به حل هیچ مساله‌ای نیست. خود دانید.

دیدگاه، انتقاد و پیام‌هایتان برای انتشار در این ستون را از طریق نظرات خبرهای سایت، یا ارسال پیامك، تلگرام یا واتساپ به شماره‌های: 09172670030، یا 09172670031 و یا ارسال ایمیل از طریق mashalnews@yahoo.com اقدام فرمایید.

توجه: درج نظریات و مطالب ارسالی، لزوما دیدگاه این پایگاه خبری نمی‌باشد و آمادگی خود را جهت درج توضیح یا جوابیه ادارات و شرکت‌های دولتی و خصوصی می‌باشیم.

